جنبش اعتراضی، دو بدیل سیاسی

سیر تشکل‌یابی جنبش اعتراضی ایران، به‌رغم فرازوفرود خیزش‌ها، دو بدیل سیاسی متضاد را در مقابل یکدیگر قرار داده است. یک بدیل سیاسی در پایین و یک بدیل سیاسی در بالا. بدیل سیاسی پایینی‌ها عبارت است از کانون‌ها و تشکل‌های متعددی که در دل این اعتراضات نضج یافته و به‌موازات تداوم و پیشروی آن در حال تکامل و ارتقاء درجه سازمان‌یابی خویش هستند. بدیل سیاسی بالایی‌ها متشکل از احزاب و گروه‌هایی است که هر یک به دلیل وابستگی سیاسی یا ایدئولوژیک، می‌کوشند تا در نقش سخنگو و هدایتگر اعتراضات ظاهر شوند.

بدیل سیاسی پایین، یعنی کانون‌ها و تشکل‌های برآمده از دل این خیزش، محصول پیشروی یک نبرد تاریخی، توده‌ای و طبقاتی است. بدیل سیاسی بالایی‌ها، گروه‌های وابسته به این یا آن ایدئولوژی یا قطب سیاسی، نه محصول یا متأثر از این جنبش اعتراضی، بلکه ریشه در شکست جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های تاریخی پیشین دارند.

در یکسو شاهد نضج و تکامل کانون‌های برخاسته از جنبش اجتماعی و تاریخی هستیم که عزم برچیدن استبداد و استثمار را دارند و در سوی دیگر شاهد کارزار سیاسی تبلیغاتی گروه‌ها و رسانه‌هایی هستیم که عزم به کرسی نشاندن راهکارها و رهبران برگزیده گروه یا قدرت سیاسی معین را کرده‌اند. در پایین، یک جنبش عظیم اجتماعی و تاریخی، همچنان در حال شدن است و در بالا، یک کارزار سیاسی تبلیغاتی همچون گریزی از مرداب سیاسی و ایستایی ایدئولوژیک در حال تکرار است.

در پایین یک کشاکش میان طبقات اجتماعی با بی‌رحم‌ترین ماشین سرکوب سرمایه و ارتجاع مذهبی تاریخ معاصر ایران جریان دارد و در بالا بندوبست گروه‌ها و قدرت‌های سیاسی جهت سوارشدن بر امواج خیزش و مهار آن. تعیین تکلیف آتی این دو بدیل سیاسی در گرو ارتقاء درجه سازمان‌یابی کانون‌های اعتراضی و هماهنگی آنان حول استراتژی است که بتواند به‌عنوان نقشه راه خیزش و فرازوفرودهای آن عمل کند.

کانون‌ها و تشکل‌های جنبش اعتراضی تا زمانی که در محدوده حصارهای مطالباتی، شغلی و محلی به سازمان‌دهی اعتراضات می‌پردازند هنوز قادر به انطباق درجه سازمان‌دهی خود با سطح سیاسی خیزش اعتراضی نگشته‌اند. علت این امر، نه سطح نازل سیاسی یا ماهیت صنفی این تشکل‌ها، بلکه عدم بلوغ توازن قوای سیاسی و جان‌سختی ارتجاع و انسجام ماشین سرکوب است. اگرچه نقطه آغاز هر فراخوان به تجمع کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان مطالبات شغلی و معیشتی است، اما بر هیچ‌کس پوشیده نیست که شعارها و سیر عمومی این تجمع‌ها اجزاء یک جنبش عظیم اجتماعی و سیاسی هستند.

این‌چنین است که پیشروی خیزش و تغییر توازن قوا، تنها راه ارتقای درجه سازمان‌یابی کانون‌ها و بدل شدن آنان به کمیته‌های اعتصاب و دیگر تشکل‌های رسمی محیطزیست و کار است. در چنین شرایطی است که بدیل سیاسی از پایین می‌تواند با ابراز وجود تاریخی راه پیشروی خیزش و انتقال آن به یک انقلاب سیاسی طبقاتی را بگشاید. هرگونه ناکامی کانون‌های اعتراضی در این مسیر به‌صورت نوسان و سردرگمی امواج اعتراضی توده‌ای و سرانجام حلقه زدن توده‌های به ستوه آمده بر گرد باندها و فرقه‌های سیاسی ایدئولوژیک و یا دلالان سیاسی است که مهر راهکار و نقشه عمل خود را بر جنبش بکوبد.

سیر عملی یک جنبش اعتراضی، به‌هیچ‌وجه حاصل جمع تمایلات تک‌تک نیروهای شرکت‌کننده در آن نیست. به همان‌گونه نیز مکانیسم عملکرد یک جمع، به‌هیچ‌وجه حاصل کمّی عملکرد و تمایلات تک‌تک افراد جمع مزبور نیست. اساس موجودیت و تمایز میان روانشناسی جمعی و روانشناسی فردی یا علم زیست‌شناختی و جامعه‌شناسی نیز همین تمایز است؛ یعنی شناخت قانونمندی‌هایی که مبتنی بر تمایز مکانیسم عملکرد جمع از اجزاء آن است. از همین رو نیز سیر خیزش‌ها و انقلابات تابع مکانیسمی هستند که خارج از اراده اجزاء این جنبش‌ها عمل می‌کنند.

در شرایط فعلی، گام نهادن و یاری شبکه‌ها و کانون‌های اعتراضات متعدد به ارتقاء درجه سازمان‌دهی، شکل‌گیری تشکل‌های پایدار و هماهنگ کارگری به‌مثابه نطفه‌های کمیته‌های اعتصاب از اهمیت تاریخی و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. جنبش اعتراضی شاهد تلاش‌های مهمی از طرف کانون‌های معلمان، بازنشستگان و کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز در این مسیر بوده است. این تلاش‌ها اما به دلیل اقدامات سرکوبگرانه قدرت حاکم با دشوارهای جدی روبرو گشت. اکنون زمان کنار زدن این دشواری‌ها و راهگشایی سیاسی فرا رسیده است. کانون‌های متشکل معلمان، بازنشستگان و به‌ویژه کانون‌های کارگری جنوب ایران می‌توانند در این مسیر گام‌های تاریخی و سرنوشت‌سازی بردارند. این امر مستلزم تلاش و اقدامات فرامحلی برای سازمان‌دهی گفتمان سیاسی حول چشم‌انداز و نقشه عمل جنبش اعتراضی است. شکل‌گیری چنین گفتمانی به‌خودی‌خود به معنای یک رخداد سیاسی مهم در جنبش اعتراضی، یعنی ایجاد کانون‌های هماهنگی فرامحلی نیز می‌باشد. این چشم‌اندازها باید بتواند نیروهای جنبش اعتراضی حول درک مشترکی از مفهوم پیشروی و پیروزی خیزش، ساختار سیاسی دوره بعد از پیروزی و اهداف و برنامه انقلاب متحد سازد.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

۱۰ فوریه ۲۰۲۲